

نوبتی هم که باشد، نوبت معرفی کتاب ارزشمند «صحیفه سجاده» است. این را حاج آقا مزینانی می گوید و ادامه می دهد: «در معرفی کتاب شریف صحیفه سجاده به باید عرض کنم این کتاب ارزشمند، مجموعه ای از دعاها و مناجات ها با خدای متعال است که می تواند در تقویت ارتباط معنوی انسان با خدا نقش زیادی داشته باشد. این کتاب در مجموع دارای ۵۴ مناجات و دعا از امام سجاده (ع) است که بعد از قرآن کریم و نهج البلاغه در بین شیعیان از جایگاه بالا و مهمی برخوردار است. محتوای دعاها این کتاب شریف هم بسیاری از معارف دینی و اعتقادی شیعه است. موضوعاتی مثل خداشناسی، جهان شناسی، انسان شناسی و مباحث عالم غیب، فرشتگان، رسالت انبیا، جایگاه پیامبر و اهل بیت (ع)، امامت، فضایل و ردایل اخلاقی، مسائل اجتماعی و اقتصادی، نعمت های مختلف خداوند متعال، آداب دعا و نماز، و عبادت و... قابل ذکر است که معروف ترین دعای صحیفه، دعای مکارم الاخلاق است.»

۶۶

صحیفه سجاده مجموعه ای از دعاها و مناجات ها با خدای متعال است که می تواند در تقویت ارتباط معنوی انسان با خدا نقش زیادی داشته باشد



چرا امام سجاده (ع) زیاد عبادت می کردند؟

سومین عید از اعیاد شعبانیه
ولادت امام سجاده (ع) است

مردی شبه باران

نعمیه موحدا | خدایا، سه چیز مرا باز می دارد از این که خواسته خود را با تو در میان گذارم، و یک چیز مرا بر آن وامی دارد. فرمانی که داده ای و من در عمل به آن کندی کرده ام، کاری که مرا از آن باز داشته ای و من به انجام دادن آن شتاب ورزیده ام، نعمتی که به من ارزانی داشته ای و من در سپاس آن کوتاهی نموده ام، سه چیزی هستند که مرا باز می دارند، اما بخشش و نیکی بسیار تو به کسی که روی به درگاهت آورد و با خوش بینی به سوی تو آید، مرا به گفتن خواسته ام برمی انگیزد. اینک ای معبود من! این منم که بر درگاه عزت تو همچون بنده ای فرمانبردار و خوار ایستاده ام و همچون بینوایی، شرمسارانه دست خواهش دراز کرده ام... کسی که این طور با این کلمات زیبا و آهنگین با خدای خودش درددل می کند، کسی است که به خاطر عبادت های زیادتش به او لقب «زین العابدین» داده اند؛ یعنی زینت عبادت کنندگان، یعنی کسی که بر همه عبادت کنندگان سرور و برتر است و کسی که با اینکه مقام امامت دارد، این طور از خدایش برای گناهان طلب بخشش می کند. سومین عید از اعیاد شعبانیه، عید ولادت امام سجاده (ع) است. پس بازم «منبر هشت» را به پا کردیم تا پای صحبت های حاج آقا مزینانی، این بار از امام بسیار سجده کننده، سجاده (ع) بگویم و بشنویم.

السَّجَّادُ
الْمُحْتَسِبُ
الْعَلَّامُ
الْمُتَّقِ

گنجینه علوم، تمام و کمال در اختیار امام سجاده (ع)

البته این طوری نبوده که امام سجاده (ع) همیشه مشغول عبادت با دعا باشند، شخصیت علمی امام چهارم هم بسیار برجسته بوده است. سخنران منبر هشت در این باره می گوید: «یکی از معتقدات شیعه این است که همه معصومین از یک رتبه علمی و دانایی برخوردار بوده اند و در این خصوص مثل هم هستند. علت این اعتقاد هم این است که امام باید در هر زمان و تحت هر شرایطی، با یقین و اطمینان، به هر سؤالی که مطرح شود و در هر زمینه ای که باشد، پاسخ بدهد. یکی از نکاتی که نباید از آن غافل شد، لحظات آخر عمر هر امام بوده است که اسرار الهی را به امام بعد از خودش منتقل می کرده است. این امر برای امام سجاده (ع) در شب عاشورا و با حضور امام حسین (ع) در کنار فرزند بزرگوارش، اتفاق افتاده است.» در اینجا سخنران منبر هشت گریزی هم به روزهای بعد از حادثه عاشورا می زند و از شرایطی می گویند که امام سجاده (ع) عهده دار مقام امامت شدند: «با توجه به شرایط خاص روز عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و جمعی از فرزندان و برادران و اصحاب آن حضرت و از طرفی آغاز اسارت اهل بیت (ع)، روشن است که می توان با یقین اعلام کرد شرایط آغاز امامت هیچ امامی به اندازه شرایط امامت امام چهارم (ع)، همراه با سختی و مشقت و مشکلات نبود. به علاوه اینکه در چنین شرایط خاصی، آن حضرت حال مساعدی هم نداشتند و به حدی در بیماری و تب بود که توان بلند شدن و ایستادن هم نداشتند. البته اعتقاد ما این است که این معجزه الهی بود تا به دلیل بیماری، حضرت در جنگ حضور نداشته باشد و همین امر سبب زنده ماندن آن حضرت شود. اما در کنار تمام آنچه اشاره شد بار سنگین مسئولیت زنان و کودکان حاضر در کربلا هم به دوش حضرت بود که خدای متعال با وجود حضرت زینب (س)، این امر را برای امام چهارم (ع) قابل تحمل کرده بود. پس این امامت در حالی آغاز شد که اصحاب نه شمشیر به دست داشتند و نه پشتوانه مالی، علاوه بر آن داغدار شهادت پدر و برادر و بستگانشان هم بودند»

امام سجاده (ع)
بعضی از راه برای
اینکه بتواند حرف زین
را به مردم برساند
انتخاب کردند، و آن
هم «دعا» بود؛ یعنی
این امام بزرگوار در
دعا و مناجات ها ک
خود، تمام این
مثل دینی را بیان
می کردند و گاهی هم
اطراف ایشان بودند،
با گوش دادن به
مناجات ها ک حضرت،
از وجود ایشان استفاده
می کردند

السَّجَّادُ
الْمُحْتَسِبُ
الْعَلَّامُ
الْمُتَّقِ

آیا مادر بزرگوار امام سجاده (ع) ایرانی بودند؟

حالا نوبت پامنبری هاست تا سؤالاتشان را از سخنران منبر هشت بپرسند. یکی از بچه ها سؤالی که شاید شما هم آن را زیاد شنیده باشید، مطرح می کند. درباره مادر بزرگوار امام سجاده (ع) که بعضی می گویند ایرانی بوده است. حاج آقا مزینانی پاسخ می دهند: «در این باره مدرک معتبر و سند دقیقی وجود ندارد و تمام آنچه نقل شده، با نقل های دیگری تکذیب شده است. اما یکی از معروف ترین نقل ها این است که مادر بزرگوار امام سجاده (ع)، زنی از خاندان بزرگان بوده که به «شاه زنان» هم معروف بوده است و مشهورترین روایت این است که دختر یزدگرد، یکی از سلاطین ایران بوده است. ناگفته نماند که امام چهارم در دوران کودکی و همان روزها یا ماه های اول تولد، از نعمت مادر محروم شده و مادر بزرگوارش به رحمت خدا رفته است و این امام عزیز توسط دایه بزرگ شده است. برای همین بحث حضور جناب شهربانو در واقعه کربلا و اسارت و فرار ایشان به صورت کامل منتفی می شود. اما همان طور که عرض شد، بزرگانی مثل شیخ صدوق (ره)، مرحوم کلینی، یعقوبی و شیخ مفید (ره)، مادر این امام بزرگوار را ایرانی و به عنوان دختر یزدگرد ثبت نموده اند.»

۶۶

امام چهارم نه تنها
افکار حضرتان
نداشتند، بلکه هر
رفتار و کردار
مرازم امام هم محصور
و تحت نظر بود



بانویی که مسلمان شد

و دگر، مادر بزرگوار
بود. وقتی او را به
دو در مدینه به
ند، همه زنان برای
به‌ها بیرون آمدند،
می‌خواست
بانو گفت:
ایاه باد،
انت به
باشی.»
که معنی
انوارو نفه‌مید،
شمگین شد

خوانش کتاب زندگانی امام سجاد علیه السلام

عبادت‌های خالصانه

هم به دنیا آمدنش داستانی خاص داشت و هم شهادتش. بین ولادت و شهادت هم زندگی پر فضیلتی را سپری کرد. امام سجاد (ع) به خاطر عبادت‌های فراوانش به «زین العابدین» معروف شد. او معجزات و کراماتی داشت و بیاناتش در «صحیفه سجادیه» گردآوری شده است. کتاب «زندگانی امام سجاد علیه‌السلام» به زندگی این امام بزرگوار می‌پردازد.

پرهیز از دروغ‌گویی

هریک از ائمه، معجزاتی دارند که شاید به گوش ما رسیده باشد و شاید هم هیچ چیزی راجع به آن ندانیم. امام سجاده(ع) هم معجزات و کرامات مخصوص خود را داشت. ابراهیم دهم، یکی از بزرگان صوفیه، یکی از این کرامات را بیان می‌کند. او در سفری که داشت، کودکی را در بیابان دید و از مشاهده‌اش تعجب کرد: با خود گفت: سبحان الله! یک کودک چطور در این بیابان دارد تنها می‌رود؟ برای فهمیدن موضوع نزدیک او رفتم و به او سلام کردم. پاسخم را داد. از او پرسیدم: «کجا می‌روی؟» فرمود: «به خانه پروردگارم» گفتم: «عزیزم تو که کودک هستی و حج بر تو واجب نیست.» فرمود: «ای شیخ! کوچک‌تر از من هم مرده‌اند.» ابراهیم دهم، سؤال‌های دیگری هم دارد: عرض کردم: چه توشه‌ای برای راه برداشتای؟ فرمود: «توشه من پرهیزکاری، وسیله سفر دو پایم و هدفم و مقصود مولای من است.» عرض کردم: «همراهت غذایی نمی‌بینم.» فرمود: «ای مرد! آیا پسندیده است که تو را کسی به خانه خود دعوت کند و تو با خود غذا و خوردنی ببری؟» عرض کردم: «نه.» فرمود: «آن کس که مرا دعوت کرده، به من غذا و آب هم می‌دهد.» این کودک، علی‌ابن حسین(ع) بود.

چرا از امام سجاده (ع) حدیث‌های کمی داریم؟

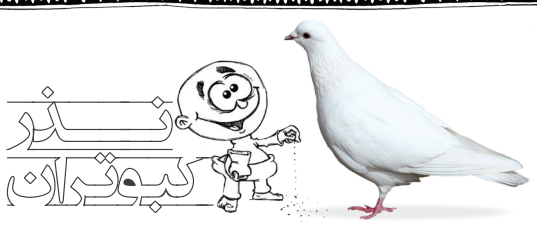
امام باقر(ع) درباره عبادت پدر خود می‌فرماید: «پدرم به حدی عبادت کرده بود که دیگران به آن حد عبادت نمی‌کنند و از شب زنده داری رنگش زرد و از گریه چشمانش سرخ و از زبانی سجده پر جسته و از ایستادن زیاد برای نماز، پاهایش ورم کرده بود.» حاج آقا مزینانی ادامه می‌دهند: عبادت، در مرتبه علمی حضرت هم همانطور که قبلاً عرض کردم، ایشان شاخص بوده‌اند به نحوی علی(ع) می‌فرماید: از من بپرسید هر چه می‌خواهید که به خدا قسم تمام وقایع را تا روز قیامت می‌سجد (ع) هم می‌فرماید: «اگر نمی‌ترسیدم که مردم در حق ما غلو کنند، وقایع را تا روز قیامت البته اینها فقط نمونه هایی از ویژگی های این امام بزرگوار است. نقل شده در محضر امام صادق(ع) حضرت علی(ع) صحبت و گفته شد هیچ کس قدرت انجام عمل امیرالمؤمنین را ندارد و امام فرمود هیچ کس به علم ایشان بیشتر از جدم امام سجاد علیه السلام نبوده است چرا که ایشان صد خ

صحیفہ سجادieh چه جور کتابی است؟

نوبتی هم که باشد، نوبت معرفی کتاب ارزشمند «صحیفه سجاده» است. این را حاج آقا مزینانی می گوید و ادامه می دهد: «در معرفی کتاب شریف صحیفه سجاده باید عرض کنم این کتاب ارزشمند، مجموعه ای از دعاها و مناجات ها با خدای متعال است که می تواند در تقویت ارتباط معنوی انسان با خدا نقش زیادی داشته باشد. این کتاب در مجموع دارای ۵۴ مناجات و دعا از امام سجاده (ع) است که بعد از قرآن کریم و نهج البلاغه در بین شیعیان از جایگاه بالا و مهمی برخوردار است. محتوای دعاها ی این کتاب شریف هم بسیاری از معارف دینی و اعتقادی شیعه است. موضوعاتی مثل خداشناسی، جهان شناسی، انسان شناسی و مباحث عالم غیب، فرشتگان، رسالت انبیاء، جایگاه پیامبر و اهل بیت (ع)، امامت، فضایل و رذایل اخلاقی، مسائل اجتماعی و اقتصادی، نعمت های مختلف خداوند، تعال، آداب دعا و نماز، و عبادت و... قابل ذکر است که معروف ترین دعا ی صحیفه، دعا ی مکارم الاخلاق است.»

دعا و راز و نیاز را از محضر امام سجاده (ع) بیاموزیم

باز هم یکی دیگر از منبرهای هشت به پایان رسید و حاج آقا مزینانی این‌طور سخنرانی درباره شخصیت امام سجاد(ع) را به پایان بردند: «انسان همیشه محتاج مناجات و دعاست و تحقیقات غربی‌ها نشان می‌دهد کسانی که دارای اعتقادات معنوی هستند و پایبند به انجام مناسک دینی و عبادت شده‌اند، از آرامش روحی و روانی بیشتری برخوردار بوده و طول عمر بیشتری هم دارند. ضمناً این افراد به نسبت سایرین، غالباً در کارهای نیک و خدایسندانه پیش‌قدم بوده و بخشی از درآمد خود را در حدّ توان، به امور خیریه اختصاص می‌دهند. آنچه درباره عبادات و ویژگی‌های شخصیتی امام سجاد(ع) گفتیم، فقط گوشه‌هایی از برکات وجودی امام چهارم بود. امیدوارم خدای مهربان توفیق شناخت و عمل به دستورات این بزرگوار را به همه ما عنایت بفرماید.»



حدیث سلسله از یادمان نخواهد رفت
ولایت به خدا شرطی از مسلمان نیست
هزار مرتبه شکر خدا که نور تو
جراغ زندگی مردمان ایرانست

کتاب رأفت و مهرت پر از حکایت‌ها
نظیر قصه آن پیرمرد سلمانیست
ز یاد مردم سایه‌نشین ایوانت
نرفته خاطرهای نمازبارانت

یوسف رحیمی

گفت‌وگو با نوجوانی که تعزیه خوان است

تعزیه خواندم و عاشورایی شدم

«فرامرزی» هفت‌سال است که عضو کانون پرورش فکری شماره ۲ سبزوار است و تا یک‌سال پیش، تقریباً هرروز به کتابخانه می‌آمد، ولی حالا کمی مشغله‌هایش زیادت‌ر شده، اما بازهم هفته‌ای یک‌بار را حتماً سری به کتابخانه کانون می‌زند.

فعالیت‌های کانون در شما چه تأثیری داشته است؟

اسم یک هنرمند یا نویسنده‌ای را که خیلی دوست داری بگو و به ما معرفی‌اش کن.

از بین نویسنده‌ها، کارهای داوود امیریان را بیشتر می‌خوانم و بیشتر دوست دارم و شعرهای قیصر امین‌پور، شعرهایی هستند که زمزمه می‌کنم.

چقدر مطالعه می‌کنی؟ روزنامه هم می‌خوانی؟

مجله‌های هنری و سرگرمی را زیاد مطالعه می‌کنم. تقریباً هفته‌ای یک تا دو ساعت. آخرین کتابی هم که خوانده‌ام، کتاب «گردان قاطرچی‌ها» بود نوشته «داوود امیریان».

تعزیه‌خوانی را از چه زمانی و چگونه شروع کردی؟

پدربزرگم تعزیه‌خوان بود و از همان یک‌سالگی من با تعزیه‌خوانی آشنا شدم. پدربزرگم مرا در تعزیه‌هایش در نقش حضرت علی‌اصغر شرکت می‌داد. پنج‌ساله بودم که تعزیه‌های مربوط به حضرت رقیه(س) را اجرا می‌کردم و بعدها که نوجوان شدم، نقش حضرت قاسم(ع) و الان نقش حضرت علی‌اکبر را اجرا می‌کنم... ارادت به ائمه معصومین عشق من است. اجرای تعزیه‌خوانی علاقه‌ام را به این خاندان پاک بیشتر می‌کند. امام حسین(ع)، امام سجاد(ع) و واقعه عاشورا... اجرا کردن این حوادث در تعزیه مرا شیفته آزادگی و جوانمردی این عزیزان کرده است.

درباره اجراهایت خاطره‌ای بر ایمن تعریف کن

سالی که در جشنواره نمایشنامه‌خوانی رضوی شرکت کردم، شب‌ها در هتل دوبیتی می‌خواندم و میهمانان هتل می‌آمدند دنبالم که در اتاق‌هایشان برایشان بخوانم. من هم که یک‌جورهایی حوصله نداشتم، همین‌جوری از بر یک‌چیزی می‌خواندم و زیاد وقت نمی‌گذاشتم و گاهی حتی بد می‌خواندم تا دست از سرم بردارند. اما در مراسم اختتامیه به‌عنوان بهترین صدایپیشه انتخاب شدم. همه اعتراض می‌کردند که این صدای خودش نبوده و از صدای ضبط‌شده استفاده کرده است. آنجا مجبور شدم برای اینکه نشان بدهم صدای واقعی خودم چگونه است، روی سن بروم و در حضور همه یک آواز جانانه بخوانم(خودش هم از یادآوری خاطرهاش خنده‌اش می‌گیرد)

درباره تعزیه‌خوانی بر ایمن توضیح بده

تعزیه‌خوانی یک هنر اصیل و قدیمی و بکر و تأثیرگذار است که باید احیا شود تا هنرمندان نوجوان و جوان بتوانند در این هنر خودشان را نشان بدهند. تعزیه‌خوانی تلفیقی از چند هنر است و می‌تواند راهی باشد برای آشنا کردن کودکان و نوجوانان با رشادتها و شجاعت‌های ائمه و بزرگان دین.

احساس می‌کنم عضویت در کانون پرورش فکری و بودن در محیطی که به‌دنبال کشف استعدادها و هدایت بچه‌ها به‌سمت کتابخوانی و فعالیت‌های هنری و ادبی است، توانسته تأثیر زیادی روی من بگذارد. من در محیط کتابخانه در کنار دوستانم یاد گرفتم که احساسات خودم را بشناسم و آن‌ها را در قالب نوشتن و یا کار هنری نشان دهم. ضمن اینکه شرکت در فعالیت‌های گروهی هم به اینکه در اجتماع موفق‌تر باشی، کمک می‌کند.

به زمینه‌های هنر و ادبیات اشاره کردی. تا به حال به چه موفقیت‌هایی در این زمینه‌ها رسیده‌ای؟

در جشنواره بین‌المللی نمایشنامه‌خوانی رضوی در بخش صدایپیشگی رتبه آوردم. اما اگر از رتبه‌آوردن و برنده‌شدن بگذریم، کانون پرورش فکری آن‌چه که من آرزویش را داشته‌ام به من داد. عضویت من در کانون به من کمک کرد تا هرچیزی را که به آن علاقه داشته‌ام دارم، به‌دست آورم و اصلاً حسرت چیزهای نداشته را نمی‌خورم. صدای خوب، اخلاق خوب، دوستان خوب، و خیلی چیزهای دیگر. در موسیقی خداوند به من استعدادی داده که فعال‌شدن آن را مدیون حضورم در کانون هستم.

نظرت راجع به نوجوانی چیست؟ چه رنگ‌وبویی دارد؟

نوجوانی مثل طناب‌بازی می‌ماند؛ هم هیجان دارد و لذت‌بخش است و هم ترس دارد. ولی من بیشتر از بخش هیجان‌انگیزش لذت می‌برم. مزه نوجوانی هم مثل انار ملس و شیرین است. رنگ نوجوانی هم قرمز است و گاهی سبز و گاهی زرد!

چه چیزی در نوجوانی برایت زیباتر است؟

وقتی مربیان کانون تأیید می‌کنند، به‌خصوص اگر مربی‌ام آقای عسگری باشد که سختگیر است، باتشویق‌هایشان خیلی ذوق می‌کنم و لذت‌بخش است.

برای کسب موفقیت‌ها و پیشرفت‌هایت بیشتر به چه چیزی نیاز داری؟

فکر می‌کنم دوره محک‌زدن و اینکه خودم را بشناسم و بدانم در چه کاری استعداد و به چه کاری علاقه دارم را گذرانیده‌ام. در حال‌حاضر در زمینه موسیقی باید در کلاس‌های حرفه‌ای‌تر شرکت کنم. نیاز به آموزش بیشتر دارم تا کارم جدی‌تر و اصولی‌تر شود.

“

«فرامرزی» هفت‌سال است که عضو کانون پرورش فکری شماره ۲ سبزوار است و تا یک‌سال پیش، تقریباً هرروز به کتابخانه می‌آمد، ولی حالا کمی مشغله‌هایش زیادت‌ر شده، اما بازهم هفته‌ای یک‌بار را حتماً سری به کتابخانه کانون می‌زند.

یادداشت

اسماعیل فیروزی



وقتی دعا کار شمشیر می‌کند

کتاب صحیفه سجادیه را باز می‌کنم و چشمم به دعای اولش می‌افتد که درباره حمد و سپاسگزاری از خداست. می‌دانید که امروز پنجم شعبان و مصادف است با تولد حضرت سجاد(ع)، چهارمین پیش‌وای شیعیان جهان و خالق کتاب ارزشمند صحیفه سجادیه. شما دوست نوجوان از ابتدای تولد ضمیمه کودک و نوجوان «هشت» در ستون «قرار ساعت هشت» حتماً هرروز ترجمه و تعبیر بخش‌هایی از این کتاب بسیار زیبا را دیده‌اید و خوانده‌اید. من و دوستانم، در ایامی که این متن‌ها را برای شما آماده می‌کردیم، آنقدر تحت‌تأثیر متن‌ها و آموزه‌های آن بودیم که ناخودآگاه در بسیاری از مسائل روزمره به آن رجوع می‌کنیم و آرامش می‌گیریم و اگر قرار باشد خلاصه‌ای از صحیفه سجادیه را در یک یا چند سطر بیان کنیم، باید بگوییم: صحیفه سجادیه به ما می‌آموزد چگونه با دعا می‌شود به مقام بلندی مثل مقام شهدا رسید و چگونه دعا کار شمشیر زدن در راه خدا را انجام می‌دهد. امام سجاد(ع) در همین دعا، ابتدا شروع می‌کند به شکرگزاری خدا و در انتها جالب است بدانید که این امام و نویسنده بزرگ از خداوند تشکر می‌کند که به‌خاطر همین شکرگزاری‌ها به او جایگاه شهیدان راه حق را می‌بخشد و شاید یک‌طوری می‌خواهد به ما بگوید: شکرکردن خدا اجر و پاداشش به‌اندازه کسانی است که در راه خدا کشته شده‌اند. خوب چه کسی است که دوست نداشته باشد تنها با خواندن روزی یک‌دعا به این مقام عالی برسد؟ منتظر چه هستید؟ صحیفه را باز کنید و بخوانید و البته تا زمانی که عربی‌تان خوب نشده، می‌توانید متن فارسی‌اش را بخوانید؛ چون دعا زبان دل است...

مردی جوان



بنا شد عروسی از ایران بگیرد | اسیری شهبانوی ما می‌آرد | که این خاک بوی حسین‌جان بگیرد | تو آقازرتنی و سجاد مایی | تو شاهی و فرزند داماد مایی | خدا باز تصویر مولا کشیده | برای حسینش، علی آفریده | تو از پس که غرق حضور خدایی | برای عبادت تو را برگزیده | هر آنکس که دیده تو را صبح یا شب | سر سفره‌های مناجات دیده | ترجم کن ای آسمان محبت | به این فطره‌های چکیده‌چکیده | چه می‌خواهم از تو که داده نباشی | به‌اندازه کافی از تو رسیده | همین که گدای تو هستیم کافی‌ست | ابوحمزه‌های تو هستیم کافی‌ست | بخوان تا ابوحمزه ایمان بگیرد | بخوان آدمی بوی انسان بگیرد | بخوان، ابکی، ابکی، لقمی، لقمی... | دل مرده ما کمی جان بگیرد | (...)و یا غافرالذنب و یا قابل‌التوب | الهی تصدق علیّ بعفوک | انا لائسی | یادیک عندی | الهی تصدق علیّ بعفوک | الهی و ربی علیک رجائی | الهی تصدق علیّ بعفوک (...)| لباس مناجت را باید هر کس | شب پنجم ماه شعبان بگیرد | تو هستی دلیل مسلمانی ما | نجات پر و بال زندانی ما

بنا نیست امروز افسرده باشیم | پس از چندشب باز پژمرده باشیم | مگر می‌شود نور را دیده باشیم | ولی دل به خورشید نسپرده باشیم؟ | بنا بود ما را سر پا ببینند | اگر بارها هم زمین خورده باشیم | سه شب در دل کوچه‌ها مان نشستیم | که سهمی از این سفره‌ها برده باشیم | محال است ما را از آقا بگیرند | محال است حتی اگر مرده باشیم | اسیرم به گیسوی بالانشینی | فدای گرفتاری این‌چنینی | تو شهر غریبی، مسافر نداری | شب پنجم ماه، زائر نداری | در این چندشب بال‌ها کرلایند | بمیرم برایت، مهاجر نداری | نینم برای تو شعری نگفتند | می‌ادا بگویند شاعر نداری | تو چهارم مسیر به‌سمت خدایی | تو چهارم مسیری که عابر نداری | در این روزها که تو تنهارتینی | در این روزها که تو زائر نداری | مرا زائر بی‌قرار تو کردند | دلم را چراغ مزار تو کردند | بنا شد اگر سائلی نان بگیرد | چه خوب است که از کریمان بگیرد | بنا شد اگر شاه نوکر بگیرد | چه بهتر که از نسل سلمان بگیرد | علی خواست تا که برای حسینش | زنی در بلندای ایمان بگیرد | تمام زمین و زمان را که می‌گشت